توسّل



علی اصغر رضوانی


بسم الله الرحمن الرحیم

توسل

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

توسل

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور : توسل/تالیف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۵۸ص.

فروست : سلسله مباحث وهابیت.

شابک : ۲۵۰۰ ریال ۹۶۴-۹۷۳-۰۴۷-۸ ؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۹.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : وهابیه -- دفاعیه ها و ردیه ها

موضوع : توسل

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۰۷/۶۲/ر۵۵ت۹ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۱۶

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۲۵۵۴۱

ص:۱

اشاره


ص:۶

مقدمه ناشر

ترویج فرهنگ ناب محمّدی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در طول تاریخ دچار کج اندیشی ها و نابخردی هایی بوده است که نمونه بارز آن را در اندیشه وهابیت و سلفی گری می توان نظارگر بود، تفکری که همه مسلمانان جهان را از دین اسلام خارج و فقط خود را مسلمان می دانند. عدّه ای اندک که با کج اندیشی، مسلمانان جهان و دیگر ادیان را دچار مشکل کرده و چهره ای خشن و کریه از دین رحمت ارائه نموده اند. معمار این اندیشه ابن تیمیه از مخالفان فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می باشد که تفکّر او از قرن هفتم تا قرن سیزدهم به فراموشی سپرده شده و مورد مخالفت اندیشمندان مذاهب اسلامی قرار گرفت ولی کمتر از یک قرن است که این تفکّر انحرافی دوباره در جامعه اسلامی توسط افرادی معلوم الحال مطرح می گردد. جا دارد متفکرین اسلامی، جریان های فکری منحرف را به مسلمانان جهان معرفی کرده و محور وحدت اسلامی که همان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله است را تبیین نمایند، محوری که براساس محبّت و پیروی از اهل بیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله استوار است و از فحاشی و ضرب و شتم و ترور و بمب گذاری به دور است و هیچ سنخیّتی با آن ندارد. گفت و گو

در محافل علمی و معرفی اندیشه ناب، نیاز به آن حرکات انحرافی ندارد، و چنانچه آنان در گفتار صادقند، میدان علم و اندیشه مهیا است.

تهاجم استکبار جهانی و صهیونیست ها به تفکّر اصیل اسلامی از زمانی آغاز و سرعت گرفت که انقلاب شکوه مند اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله در کشور اسلامی ایران به ثمر نشست و توسط رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی حضرت آیت اللَّه خامنه ای دام ظله هدایت گردید.

از کلیه عزیزانی که ما را در نشر معارف اهل بیت علیهم السلام یاری می نمایند به ویژه تولیت محترم مسجد مقدّس جمکران حضرت آیت اللَّه وافی و همکاران در مجموعه انتشارات و مؤلف محترم جناب استاد علی اصغر رضوانی کمال تشکر و قدردانی را داریم امید است مورد رضای حضرت حقّ قرار گیرد. ان شاء اللَّه.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

توسل

توسل

یکی دیگر از موارد اختلاف بین وهابیان و سایر مسلمین، توسل به اولیای الهی یا به تعبیری، وسیله قرار دادن آنان نزد خداوند متعال است. وهابیان آن را جایز نمی دانند، اما عموم مسلمین نه تنها آن را جایز می شمارند، بلکه در طول تاریخ به آن عمل کرده اند. توسل انواع و اقسامی دارد که نزد عموم مسلمین برخی از آن ها صحیح و بعضی باطل و دسته ای دیگر مورد اختلاف هست؛ به همین دلیل هر کدام را با حکم آن ها بیان می نماییم.

تعریف توسل

تعریف توسل

توسل در لغت

خلیل بن احمد می گوید: «توسل از "وسلت الی ربّی وسیله" است؛ یعنی انجام دادم عملی را تا به سبب آن به سوی خدا نزدیک شوم ... ».(۱)۴

ص:۹

۱- ۱. ترتیب العین، ماده «وسل».

ابن منظور افریقی می نویسد: «وسیله چیزی است که انسان به سبب آن به مقصود خود رهنمون می شود».(۱)

توسل در اصطلاح

مقصود از توسل آن است که بنده چیزی یا شخصی را نزد خداوند واسطه قرار دهد تا او وسیله قربش به خدا گردد.(۲)

فتوا های وهابیان

۱ – شیخ عبدالعزیز بن باز مفتی سابق حجاز می گوید: «توسل به جاه، و برکت یا حقِ کسی بدعت است، ولی شرک نیست؛ از همین رو هر گاه کسی بگوید: «اللّهمّ إنّی أسألك بجاه أنبیآئك أو بجاه ولیّك فلان أو بعبدك فلان أو بحقّ فلان أو برکه فلان» جایز نیست، بلکه بدعت و شرک آلود است».(۳)

۲ – شیخ صالح بن فوزان می گوید: «هر کس به خالق و رازق بودن خداوند ایمان آورد، ولی در عبادت واسطه هایی بین خود و خداوند قرار دهد، در دین خدا بدعت گذارده است ... و اگر به وسائط متوسل شود (به جهت جاه و مقام آنان) بدون آن که آنان را عبادت کند، این بدعت حرام و وسیله ای از وسایل شرک است ... ».(۴)

۱– ۲. لسان العرب، ماده «وسل».

۲– ۳. ر.ك: تفسیر روح المعانی، آلوسی، ج ۶، ص ۱۲۴ – ۱۲۸.

۳– ۴. مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، شیخ بن باز، ج ۴، ص ۳۱۱.

۴– ۵. المنتقی من فتاوی الشیخ بن فوزان، ج ۲، ص ۵۴.

۳ – گروه فتوای وهابیان، در جواب سؤالی از توسل می گویند: «توسل به ذات پیامبرصلی الله علیه وآله و غیرِ او (از انبیا و صالحان) جایز نیست. همچنین توسل به جاه پیامبرصلی الله علیه وآله و غیر او حرام است؛ زیرا این عمل بدعت است و از پیامبرصلی الله علیه وآله یا صحابه حکمی در این مورد نرسیده است ... ».(۱)

۴ – ناصرالدین البانی می گوید: «من معتقدم: کسانی که به اولیا و صالحان و ... توسل می کنند از راه حق گمراهند ... ».(۲)

فلسفه توسل

توسل، وسیله و واسطه قرار دادن چیزی بین خود و مطلوب است. وسیله بر دو قسم است: گاهی از امور مادی است؛ مثل آب و غذا که وسیله رفع تشنگی و گرسنگی است. و زمانی نیز از امور معنوی است؛ مثل گناه کاری که خدا را به مقام و جاه یا حقیقت پیامبرصلی الله علیه وآله قسم می دهد تا از گناهش بگذرد. در هر دو صورت وسیله لازم است؛ زیرا خداوند متعال جهان آفرینش را به بهترین صورت آفریده است؛ آنجا که می فرماید: «الَّذِی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ خَلَقَهُ»؛(۳) «آن خدایی که همه چیز را به بهترین صورت آفریده است.»

جهان براساس نظام علّت و معلولی و اسباب و مسببات، برای هدایت

۱- ۶. البدع و المحدثات و ما لا اصل له، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۲- ۷. فتاوی الالبانی، ص ۴۳۲.

۳- ۸. سوره سجده، آیه ۷.

و رشد و تکامل انسان ها آفریده شده است و نیازمندی های طبیعی بشر با عوامل و اسباب عادی برآورده می گردد. فیوضات معنوی خداوند، همچون هدایت، مغفرت و آمرزش نیز بر اساس نظامی خاص بر انسان ها نازل می شود و اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته که امور از طریق اسباب خاص و علل معیّن به انسان ها برسد. بنابراین، همان گونه که در عالم ماده نمی توان پرسید: چرا خداوند متعال زمین را با خورشید نورانی کرده و خود بی واسطه به چنین کاری دست نزده است؟ در عالم معنا نیز نمی توان گفت: چرا خداوند مغفرت خویش را به واسطه اولیای الهی، شامل حال بندگان می کند؟

شهید مطهری رحمه الله می فرماید: «فعل خدا، دارای نظام است. اگر کسی بخواهد به نظام آفرینش اعتنا نداشته باشد گمراه است. به همین جهت است که خدای متعال، گناه کاران را ارشاد فرموده است که درِ خانه رسول اکرم صلی الله علیه وآله بروند و علاوه بر این که خود طلب مغفرت کنند، از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان طلب مغفرت کند. قرآن کریم می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جآؤُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحِیماً»؛(۱) «اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می کرد، خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.» (۲)

از همین رو می بینیم که در قرآن و سنّت تأکید فراوانی بر وسیله

۱- ۹. سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- ۱۰. مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۶۴.

و توسل شـده است. خداوند متعال می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ ... »؛(۱) «ای مؤمنین! تقوا پیشه کنید و برای رسیدن به او وسیله طلب نمایید.»

توسل از دیدگاه قرآن

یکی از بـاب هـای عبـادت خداونـد متعال، در کنار نماز و روزه و دعا و ذکر و ... توسل به سوی او با وسـیله قرار دادن اولیا و مقربین است، توسل به سوی خـدا به واسـطه مقربین یک نوع نزدیکی و قرب به خـدا به حساب می آیـد؛ زیرا شـخص متوسـل زمام قلب خود را به سوی وجه خدا معطوف می دارد.

خداوند متعال در آیه تغییر قبله می فرماید: «قَدْ نَری تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَهً تَرْضاها فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَحَیْثُ ما کُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ لَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغافِلٍ عَمّا یَعْمَلُونَ»؛(۲) «نگـاه هـای انتظـارآمیز تـو را به سوی آسـمان [برای تعیین قبله نهـایی]می بینیم. اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشـنود باشـی، باز می گردانیم. پس روی خود را به مسـجد الحرام کن. و هر جا باشـید، روی خود را به سوی آن بگردانیـد. و کسانی که کتاب آسمانی به آن ها داده شده، به خوبی می دانند این فرمان

۱- ۱۱. سوره مائده، آیه ۳۵.

۲- ۱۲. سوره بقره، آیه ۱۴۴.

حقّی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده [و در کتاب های خود خوانده اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می خواند]. و خداوند از اعمال آن ها [در مخفی داشتن این آیات] غافل نیست.»

خداوند سبحان در این آیه دستور داده تا همه نمازگزاران هنگام نماز رو به قبله قرار گیرند. در نتیجه خداوند قبله را وسیله ای برای توجّه به خودش قرار داده است.

در آیه دیگر می خوانیم: «وَلَیْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَلکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقی وَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها»؛(۱) «کار نیک، آن نیست که از پشت خانه ها وارد شوید، بلکه نیکی این است که پرهیزکار باشید، و از در خانه ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید تا رستگار گردید.»

در این آیه خداوند دستور می دهد که انسان ها از درب خانه ها وارد شوند که این اشاره به وسیله و اسباب دارد، و لازم است که هر کاری را از راهش انجام دهیم.

قبله، معبود انسان نیست بلکه چیزی است که انسان به واسطه توجّه به آن در حقیقت به خدا توجّه پیدا می کند. از این جهت است که خداوند سبحان آدم را قبله ملائکه قرار داد و دستور داد تا بر او سجده کنند، ولی این سجده در حقیقت سجده برای خدا است.

و لذا فرمود: «وَإِذْ قُلْنا لِلْمَلائِکَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ ... »؛(۲) «و [یاد کن]هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید.»

۱- ۱۳. سوره بقره، آیه ۱۸۹.

۲- ۱۴. سوره بقره، آیه ۳۴.

و نیز بیوت حضرت موسی کلیم اللّه قبله برای بنی اسرائیل در نمازهایشان برای خدا قرار گرفته است، آنجا که در قرآن می خوانیم: «وَأَوْحَیْنا إِلی مُوسی وَأَخِیهِ أَنْ تَبَوَّءا لِقَوْمِکُما بِمِصْرَ بُیُوتاً وَاجْعَلُوا بُیُوتَکُمْ قِبْلَهً وَأَقِیمُوا الصَّلاهَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ»؛(۱) «و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود خانه هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید و خانه های تان را مقابل یکدیگر [و متمرکز]قرار دهید و نماز را برپا دارید، و به مؤمنان بشارت ده [که سرانجام پیروز می شوند].»

و به همین جهت است که یوسف به پدرش گفت: «یا أَبَتِ إِنِّی رَأَیْتُ أَحَدَ عَشَرَ کَوْکَباً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَیْتُهُمْ لِی ساجِدِینَ»؛(۲) «پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره، و خورشید و ماه در برابرم سجده می کنند.»

و نیز هنگامی که یعقوب و برادران یوسف وارد شدند همگی بر او سجده کردند، آنجا که قرآن در این باره می گوید: «فَلَمّا دَخَلُوا عَلی یُوسُفَ آوی إِلَیْهِ أَبَوَیْهِ وقالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شاءَ اللّهُ آمِنِینَ * وَرَفَعَ أَبَوَیْهِ عَلَی الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّداً و قالَ یا أَبَتِ هذا تَأْوِیلُ رُءْیایَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَها رَبِّی حَقّاً»؛(۳) «و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت، و گفت: همگی داخل مصر شوید، که ان شاء اللّه در امن و امان خواهید بود. و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند و همگی به

۱- ۱۵. سوره یونس، آیه ۸۷.

۲- ۱۶. سوره یوسف، آیه ۴.

۳- ۱۷. سوره یوسف، آیات ۹۹ و ۱۰۰.

خاطر او به سجده افتادند، و گفت: ای پدر! این تعبیر خوابی است که قبلاً دیدم، پروردگارم آن را حق قرار داد.»

نقل این مطالب در قرآن تنها قصه گویی نیست بلکه درس ها و پیام هایی برای ما دارد. لذا قرآن کریم در آخر قصه حضرت یوسف علیه السلام می فرماید: «لَقَدْ کانَ فِی قَصَصِهِمْ عِبْرَهٌ لِأُولِی الْأَلْبابِ ما کانَ حَدِیثاً یُفْتَری وَلکِنْ تَصْدِیقَ الَّذِی بَیْنَ یَدَیْهِ وَتَفْصِیلَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَهُدیً وَرَحْمَهً لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ»؛(۱) «در سرگذشت آن ها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود. این ها داستان دروغین نبود، [بلکه وحی آسمانی است، و]هماهنگ است با آنچه پیش روی او [از کتب آسمانی پیشین]قرار دارد، و شرح هر چیزی [که مایه سعادت انسان است]و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می آورند.»

و نیز در آیه ای دیگر می خوانیم: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ وَجاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»؛(۲) «ای کسانی که ایمان آورده اید از [مخالفت فرمان]خدا بپرهیزید، و وسیله ای برای تقرّب به او بجویید، و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.»

و نیز می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جآؤُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحِیماً»؛(۳) «و اگر این مخالفان،

۱- ۱۸. سوره یوسف، آیه ۱۱۱.

۲- ۱۹. سوره مائده، آیه ۳۵.

۳- ۲۰. سوره نساء، آیه ۶۴.

هنگامی که به خود ستم کردند [و فرمانهای خدا را زیر پا گذاشتند] به نزد تو می آمدند، و از خدا طلب آمرزش می کردند، و پیامبر برای آن ها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.»

در این آیه، خداوند وسیله را معیّن کرده که همان استغفار و توبه و بازگشت به پیامبرصلی الله علیه وآله و استغفار آن حضرت و شفیع قرار گرفتن او بین گنهکار و خدا است.

خداوند متعال در قرآن کریم شأن حضرت مسیح علیه السلام را بالا برده و او را وجیه و آبرومند معرفی کرده است، آنجا که می فرماید: « ... اسْمُهُ الْمَسِیحُ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ وَجِیهاً فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ»؛(۱) «نامش مسیح، عیسی پسر مریم است؛ در حالی که در این جهان و جهان دیگر، دارای آبرو خواهد بود، و از مقرّبان [الهی]است.»

و نیز در شأن حضرت موسی می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَکُونُوا کَالَّذِینَ آذَوْا مُوسی فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمّا قالُوا وَکانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِیهاً»؛(۲) «ای کسانی که ایمان آورده اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند، و خداوند او را از آنچه در حق او گفتند مبرّا ساخت، و او نزد خداوند آبرومند [و گرانقدر] بود.»

«وجیه» یعنی شخص دارای آبرو و قرب که به واسطه او انسان به دیگری توجّه پیدا کرده و به او متوسل می شود و لذا در روایت آمده است که

۱- ۲۱. سوره آل عمران، آیه ۴۵.

۲- ۲۲. سوره احزاب، آیه ۶۹.

پیامبرصلی الله علیه وآله به شخصی اعرابی چنین تعلیم داد که بگو: «یا محمّد! إنّی توجّهت بک إلی اللّه ... »؛(۱) «ای محمّد! همانا من برای رسیدن به خدا به تو توجّه می کنم.»

و نیز در روایت عثمان بن حنیف آمده که مردی کور نزد پیامبرصلی الله علیه وآله آمد و عرض کرد: از خدا بخواه تا مرا عافیت دهد. حضرت فرمود: اگر بخواهی صبر کنی برای تو بهتر است. و اگر خواستی برای تو دعا می کنم. آن مرد عرض کرد: برای بینایی من دعا کن. حضرت او را دستور داد تا وضو گرفته و این دعا را بخواند: «اللّهمّ إنّی أسألك وأتوجّه إلیك بنبیّك محمّد نبیّ الرحمه، یا محمّد! إنّی توجّهت بک إلی ربّی فی حاجتی لیقضیها، اللّهمّ شفّعه فیّ»؛(۲) «بار خدایا! همانا من از تو می خواهم و به وسیله پیامبرت محمّد، پیامبر رحمت به سوی تو توجّه پیدا می کنم. ای محمّد! همانا من به سبب تو به پروردگارم در حاجتم متوجه شدم تا آن را برآورد. بار خدایا! او را در حق من شفیع گردان.»

عالم مظهر خداست

فعل و خلقت خدا، وجه و آیه و نشانه او است. آنچه در شرق و غرب

ص:۱۸

۱- ۲۳. سنن ترمذی، کتاب الدعوات، باب ۱۱۸.

۲- ۲۴. سنن ترمذی، کتاب الدعوات، باب ۱۱۹، ح ۳۵۷۸؛ سنن ابن ماجه، کتاب اقامه الصلاه، باب ۱۸۹، ح ۱۳۸۵.

عالم آفریده شده و به تعبیری جامع تر آنچه در عالم وجود است همگی آیات و نشانه هایی است که می تواند متدبّر در آن ها را به سوی خدا سوق دهد و لذا آن ها به یک معنا وجه خدایند. قبله که در مقابل انسان در حال نماز قرار می گیرد رمزی از وجه خدا بودن است، به این معنا که گویا ما تمام روی خود را به طرف قبله قرار داده و او را وجه الهی فرض کرده ایم.

آیات و وجه های خدا مختلف است و برخی از آن ها تام است؛ یعنی مظهر صفات و اسمای تامه الهی است. و لذا خداوند متعال درباره حضرت عیسی علیه السلام فرمود: « ... وَجِیهاً فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ» و نیز در مورد حضرت موسی علیه السلام فرمود: «وَکانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِیهاً».

توجّه به اشرف مخلوقات خداوند، در حقیقت روی کردن به طرف وجه کریم خدا است، لذا در دعای ندبه می خوانیم: «أین وجه اللَّه الّذی إلیه یتوجّه الأولیآء»؛ «کجاست وجه خدا که اولیای الهی تنها به سوی او توجّه می کنند.» و نیز در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «من أراد اللَّه بدأ بکم ومن وحّده قبل عنکم ومن قصده توجّه بکم»؛ «هر کس خدا را بخواهد به شما شروع خواهد کرد و هر کس به توحید رسیده از شما پذیرفته است، و هر کس خدا را قصد کرده به شما توجّه پیدا کرده است.»

ولیّ کامل، وجه خدا

خداوند سبحان می فرماید: «کُلُّ مَنْ عَلَیْها فانٍ * وَیَبْقی وَجْهُ رَبِّکَ

ص:۱۹

ذُو الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ»؛(۱) «هر کس بر روی آن [زمین] است فنا پذیرد و باقی می ماند وجه پروردگارت که آن وجه دارای صفت جلال و جمال است.»

به اتفاق مفسرین کلمه «ذو» صفت برای «وجه» است؛ یعنی وجه پروردگار تو که آن وجه صاحب جلال و اکرام است، باقی می ماند. و چون می دانیم که وجه هر چیزی عبارت است از آنچه که مواجهه بدان حاصل می شود، بنابر این وجه هر چیز مظهر آن است، و مظاهر، همان اسمای خدا هستند که مواجهه خدا با تمام مخلوقات به وسیله آن ها انجام می گیرد، و نتیجه آن این می شود که تمام موجودات فنا و زوال پذیرند مگر اسماء جلالیه و جمالیه خداوند. و در نتیجه معلوم می شود که سالکان راه خدا که به فیض جهاد اکبر نایل شده اند؛ عبارتند از اسماء جلالیه و جمالیه حضرت پروردگار متعال. و این اسماء در خارج جز اولیای الهی کسان دیگری نیستند.

لذا در صحیح بخاری می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «من رآنی فقد رأی الحقّ»؛(۲) «هر کس مرا ببیند خداوند را مشاهده کرده است.»

تأثیر دعای پیامبرصلی الله علیه وآله

از آیات قرآن استفاده می شود که دعای پیامبرصلی الله علیه وآله در برآورده شدن

۱- ۲۵. سوره رحمن، آیه ۲۶ و ۲۷.

۲- ۲۶. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۷۲، کتاب التعبیر.

حاجات، تأثیر به سزایی دارد و از آنجا که حیات برزخی را در جای خود به اثبات رساندیم، لذا فرقی بین درخواست از ولی زنده یا مرده نمی کند، انسان می تواند بلکه باید برای قضای حاجاتش به سراغ وسائط برود. ولی نکته مهم این است که وقتی نزد آنان آمد، باید با اعتقاد به واسطه بودن آنان باشد نه این که با دید استقلالی به آن ها بنگرد.

خداوند سبحان از قول برادران یوسف علیه السلام می فرماید: «قالُوا یا أَبانَا اسْتَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا إِنّا کُنّا خاطِئِینَ * قالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَکُمْ رَبِّی إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ»؛(۱) «گفتند: ای پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم. پدر فرمود: به زودی از پروردگارم برای شما استغفار خواهم کرد؛ زیرا او بخشنده مهربان است.»

و نیز در مورد قصه فرعون با حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «وَلَمّا وَقَعَ عَلَیْهِمُ الرِّجْزُ قالُوا یا مُوسَی ادْعُ لَنا رَبَّکَ بِما عَهِدَ عِنْدَکَ»؛(۲) «و هنگامی که بلا بر آن ها مسلّط شد،گفتند: ای موسی! از خدایت برای ما بخواه به عهدی که با تو کرده، رفتار کند ... »

و در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جآؤُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحِیماً»؛(۳) «و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم کردند نزد تو آمده و از خدا

۱- ۲۷. سوره یوسف، آیات ۹۷ و ۹۸.

۲- ۲۸. سوره اعراف، آیه ۱۳۴.

۳- ۲۹. سوره نساء، آیه ۶۴.

طلب مغفرت می نمودند، و پیامبر هم برای آن ها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

انواع توسل

توسل و وسیله قراردادن برای رسیدن به خداوند و حوایج، خود برچند نوع است:

۱ - برخی از آن ها به اتفاق مسلمانان جایز است؛

۲ - دسته ای به اتفاق مسلمانان جایز نیست؛

۳ - گروهی دیگر مورد اختلاف بین وهابیان و مسلمانان است.

موارد اتفاق بر جواز

۱ - توسل به خدا، به ذات و اسماء و صفاتش

خداوند متعال می فرماید: «وَلِلَّهِ ِ الْأَسْماءُ الْحُسْنی فَادْعُوهُ بِها ... »؛(۱) «و برای خدا است اسم های پسندیده، پس او را به آن ها بخوانید.»

ترمذی به سند خود از بریده نقل می کند: پیامبرصلی الله علیه وآله شنید که مردی خداوند را به ذات، صفات و اسمایش قسم می دهد و می گوید: «اللّهمّ إنّی أسألك بأنّی أشهد أنّك أنت اللّه لا إله إلّا أنت الأحد الصمد الّذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً أحد» پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «تو خدا را به اسم

۱- ۳۰. سوره اعراف، آیه ۸۰.

اعظم اش خواندی، اسمی که اگر به آن خوانده شود اجابت می کند و اگر به آن سؤال شود عطا می کند».(۱)

شیخ عبدالعزیز بن باز می گوید: « ... توسل باید به اسمای خدا، صفات و توحید او باشد؛ همان گونه که در حدیث صحیح وارد شده است ... ».(۲)

۲ – توسل به طاعت و ایمان

توسّل همراه عمل صالح از بهترین وسائط نزد خداوند متعال و از موارد اتفاق بین مسلمین است.

آلوسی در ذیل آیه شریفه: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ ... » می گوید: «خداوند امر به ادای طاعات نموده است».(۳)

حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل ساختن خانه خدا را عملی برای تقرّب به خداوند متعال قرار داده بودند. خداوند در این باره می فرماید: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْراهِيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْماعِيلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛(۴) «و [نیز یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه [کعبه] را بالا می بردند و [می گفتند]پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی.» آن گاه از خداوند حاجت شان را طلبیده و عرض می کنند: «رَبَّنا وَاجْعَلْنا مُسْلِمَيْنِ لَکَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَکَ وَأَرِنا مَناسِکَنا

ص:۲۳

۱- ۳۱. صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۵۱۵، ح ۳۴۷۵.

۲- ۳۲. مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، ج ۴، ص ۳۱۱.

۳- ۳۳. روح المعانی، ج ۶، ص ۱۲۴.

۴- ۳۴]. سوره بقره، آیه ۱۲۷.

وَتُبْ عَلَيْنـا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ»؛(۱) «پروردگـارا! مـا را تسـليم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما، امّتی که تسـليم فرمانت باشند [به وجود آور و طرز عبادتمان را به ما نشان بده و توبه ما را بپذير که تو توبه پذير و مهربانی.»

شيـخ عبـدالعزيز بن بـاز می گويـد: «هم چنين يکی از اقسـام توسّـل جايز، توسل به اعمال صالـح است؛ در روايت آمـده است: گروهی در غاری محبوس شدند و هر کدام با وسيله قرار دادن اعمال صالح خود، از خداوند خواستند که آنان را نجات دهد: يکی خـدا را بـه نيکی به پـدر و مـادر قسم داد. ديگری، به عفت از زنـا سوگنـد داد. آن يکی به ادای امـانت يـاد کرد؛ در اين هنگام خداوند همه آنان را نجات داد».(۲)

مصـطفی محمود در ذيل آيه: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِـيلَهَ» می گويـد: «وسـيله هر انسانی عملش است و بهترين عمل، متابعت کردن از رسول و الگو قرار دادن او در تمام اعمال است ... ».(۳)

۳ - توسل به قرآن کريم

احمـد بن حنبل از عمران بن حصـين نقل می کنـد که رسول خداصـلی الله عليه وآله فرمود: «قرآن بخوانيـد و با آن از خداوند سؤال و درخواست کنيد ... ».(۴)

۱- ۳۵.]. سوره بقره، آيه ۱۲۸.

۲- ۳۶. سنن ترمذی، حديث ۳۴۷۵؛ مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، ج ۴، ص ۳۱۱.

۳- ۳۷. من اسرار القرآن، مصطفی محمود، ص ۷۶ و ۷۷.

۴- ۳۸. مسند احمد، ج ۴، ص ۴۴۵.

۴ – توسل به پیامبرصلی الله علیه وآله در روز قیامت

توسل به پیامبرصلی الله علیه وآله در قیامت؛ یعنی این که مردم در روز قیامت حضرت را وسیله قرار داده و از او بخواهند تا نزد خداوند از آنان شفاعت کند. بخاری از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل می کند: «مؤمنان در روز قیامت دور هم جمع می شوند، و می گویند: چه خوب است اگر پیامبرصلی الله علیه وآله ما را شفاعت کند ... آن گاه نزد پیامبرصلی الله علیه وآله آمده و از وی طلب حاجت می کنند، آن حضرت صلی الله علیه وآله نیز از آنان شفاعت می کند».

شورای فتوای وهابیان می گویند: « ... روز قیامت مؤمنان به ترتیب به حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی پناه می آورند و همگی عذر می خواهند. حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: به نزد محمّدصلی الله علیه وآله روید؛ زیرا او بنده ای است که خداوند گناهان گذشته و آینده او را آمرزیده، از او بخواهید تا شما را شفاعت کند. پیامبرصلی الله علیه وآله نیز به سجده افتاده و برای آنان از درگاه الهی طلب مغفرت و غفران می کند ... ».(۱)

۵ – توسل به آثار پیامبرصلی الله علیه وآله در زمان حیات

توسل، گاهی با وسیله قرار دادن خودِ شخص است، زمانی با اثرش و هنگامی نیز به مکانی است که آن شخص بزرگوار را در خود جای داده است.

ص:۲۵

۱- ۳۹. البدع و المحدثات و ما لا اصل له، ص ۲۶۵ و ۲۶۶؛ صحیح بخاری، ح ۷۴۴۰؛ صحیح مسلم، ح ۱۹۳.

احمد بن حنبل و دیگران نقل می کنند: پیامبرصلی الله علیه وآله هنگامی که وضو می گرفت، مردم به جهت تبرک به آب وضوی حضرت صلی الله علیه وآله نزدیک بود که خود را به هلاکت اندازند.(۱)

۶ – توسل به دعای پیامبرصلی الله علیه وآله در حال حیات

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به این دلیل که شخصیّتی عظیم و جلیل القدر است، دعایش رد نمی شود، لذا می توان برای رسیدن به خواسته خود از خدا به دعای او توسل جست.

برادران حضرت یوسف علیه السلام بعد از آن که به خطا و اشتباه و گناهشان پی برده و پشیمان گشتند، از پدرشان خواستند تا برای آنان دعا کند. خداوند در این زمینه می فرماید: «قالُوا یا أَبانَا اسْتَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا إِنّا کُنّا خاطِئِینَ * قالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَکُمْ رَبِّی إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ»؛(۲) «گفتند: پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم ... » همچنین در مذمّت منافقان می فرماید: «وَإِذا قِیلَ لَهُمْ تَعالَوْا یَسْتَغْفِرْ لَکُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُؤُسَهُمْ وَرَأَیْتَهُمْ یَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَکْبِرُونَ»؛(۳) «هنگامی که به آنان گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند، سرهایشان را [از روی استهزا و کبر و غرور] تکان می دهند و آن ها را می بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می ورزند.»

۱- ۴۰. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۵۵؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۳۲۹.

۲- ۴۱. سوره یوسف، آیات ۹۷ و ۹۸.

۳- ۴۲. سوره منافقون، آیه ۵.

۷ – توسل به ذات پیامبرصلی الله علیه وآله قبل از آمدن به دنیا

حاکم نیشابوری نقل می کند: «حضرت آدم علیه السلام بعد از آن که خطایی از او سرزد، عرض کرد: بار خدایا تو را به حقّ محمّد سوگند می دهم از من بگذری! خداوند فرمود: ای آدم چه کسی به تو این کلمات را یاد داد؟! عرض کرد: بار خدایا! بر ساق عرش دیدم چنین نوشته شده است: «لا إله إلّا اللَّه، محمّد رسول اللَّه» از این فهمیدم که رسول تو کریم ترین انسان ها نزد توست؛ زیرا اسم او را با اسم خودت مقرون ساختی. خداوند فرمود: آری، تو را بخشیدم، او آخرین پیامبران و از ذریه تو است و اگر او نبود تو را خلق نمی کردم».(۱)

۸ – توسل به انبیا و اولیا در حیاتشان

ابن تیمیه می گوید: ترمذی به طریق صحیح نقل کرده که پیامبرصلی الله علیه وآله به شخصی دستور داد، این چنین خدا را بخواند: «اللّهمّ إنّی أسألك وأتوجّه إلیک بنبیّك».(۲)

۱- ۴۳. مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۶۱۵.

۲- ۴۴. مجموعه الرسائل و المسائل، ج ۱، ص ۱۳.

ابوبکر نزد رسول خداصلی الله علیه وآله آمد و عرض کرد: من قرآن را فرا می گیرم، ولی آن را فراموش می کنم. حضرت صلی الله علیه وآله فرمود: بگو: «اللّهمّ إنّی أسألك بمحمّد نبیّك و ... ».(۱)

موارد اتفاق بر عدم جواز

موارد اتفاق بر عدم جواز

برخی از اقسام توسّل به اتفاق مسلمین جایز نیست که عبارتند از:

۱ – توسّل به طاغوت: خداوند متعال می فرماید:

«یُرِیدُونَ أَنْ یَتَحاکَمُوا إِلَی الطّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ یَکْفُرُوا بِهِ»؛(۲) «می خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکّام باطل بروند، با این که به آنان دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند.»

۲ – توسل به بتان: خداوند می فرماید:

«وَیَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا یَضُرُّهُمْ وَلا یَنْفَعُهُمْ وَیَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللَّهِ»؛(۳) «آنان غیر از خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند و نه سودی می بخشد و می گویند: این ها شفیعان ما نزد خدا هستند.»

موارد اختلاف

موارد اختلاف

همان گونه که اشاره شد، وهابیان و عموم مسلمانان در برخی از اقسام توسل اختلاف دارند که عبارت است از:

۱ – توسل به ذات حقّ، مقام و جاه پیامبرصلی الله علیه وآله و اولیای الهی در حیات برزخی؛

۲ – توسل به دعای پیامبرصلی الله علیه وآله و اولیای الهی در حیات برزخی؛

۳ – توسل به آثار پیامبرصلی الله علیه وآله و اولیا در حیات برزخی.

۱– ۴۵. التوصل إلی حقیقه التوسل، ص ۳۱۰ به نقل از جامع الاصول.

۲– ۴۶. سوره نساء، آیه ۶۰.

۳– ۴۷. سوره یونس، آیه ۱۸.

۱ – توسل به جاه پیامبرصلی الله علیه وآله در حیات برزخی

این قسم طبق نظر عموم مسلمین جایز است، ولی وهابیان آن را نه تنها جایز ندانسته بلکه شرک آلود می دانند.

شورای فتوای وهابیان می نویسند: «توسل به ذات پیامبرصلی الله علیه وآله و غیر او (از انبیا و صالحان) جایز نیست؛ همچنین توسل به جاه پیامبرصلی الله علیه وآله و غیر او حرام است ... ».(۱)

دلیل جواز و رجحان

برای جواز و رجحان این نوع توسل می توان به ادلّه ای تمسک کرد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ – طبرانی در «المعجم الکبیر» به سند صحیح از عثمان بن حنیف نقل می کند: شخصی به جهت حاجتی مکرّر نزد عثمان بن عفّان مراجعه می نمود، ولی عثمان به خواسته اش توجّهی نمی کرد؛ تا این که در بین راه عثمان بن حنیف را – که خود راوی است – ملاقات کرده و از این موضوع شکایت کرد. عثمان بن حنیف به او گفت: آبی را آماده کن و وضو بگیر؛ به مسجد برو و دو رکعت نماز بگزار و بعد از اتمام نماز، پیامبرصلی الله علیه وآله را وسیله قرار ده و بگو: «اللّهمّ إنّی أسألك وأتوجّه إلیك بنبیّك محمّد صلّی اللَّه علیه وسلّم نبیّ الرحمه، یا محمّد! إنّی أتوجّه بك إلی ربّی فتقضی لی حاجتی»، آن گاه حاجت خود را به یاد آور.

۱– ۴۸. البدع و المحدثات و ما لا اصل له، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

عثمان بن حنیف می گوید: شخص یاد شده آن اعمال را انجام داد، آن گاه به سوی خانه عثمان روان شد، فوراً دربان آمد و او را نزد عثمان بن عفّان برد، عثمان نیز او را احترام شایانی کرد. سپس حاجتش را به طور کامل برآورد و به او گفت: من همین الآن به یاد حاجت تو افتادم و هر گاه بعد از این از ما حاجتی خواستی به نزد ما بیا ...

عثمان بن حنیف گفت: این دستور از من نبود، بلکه روزی خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله بودم که نابینایی نزد حضرت آمد و از کوری چشم خود شکایت نمود. حضرت صلی الله علیه وآله ابتدا پیشنهاد کرد که صبر کند ولی او نپذیرفت. سپس به او همین دستور را داد و آن شخص نیز بعد از ادای آن بینا شد و به مقصود خود رسید.

این حدیث را جماعت کثیری از اهل سنّت نقل کرده اند؛ امثال: حاکم نیشابوری،(۱) ابن عبدالبر،(۲) ابونعیم اصفهانی،(۳) ذهبی،(۴) حافظ هیثمی،(۵) متقی هندی(۶) و دیگران.

۲ - دارمی در سنن خود از ابو الجوزاء أوس بن عبداللَّه نقل می کند: در مدینه قحطی شدیدی پدید آمد. عده ای نزد عایشه آمده و از این امر

۱- ۴۹. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۸.

۲- ۵۰. الاصابه، ج ۴، ص ۳۸۲.

۳- ۵۱. حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۲۱.

۴- ۵۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۸، رقم ۷.

۵- ۵۳. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۵۶.

۶- ۵۴. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۳۶، ح ۳۷۶۰۸.

شکایت کردند. عایشه گفت: به سراغ قبر پیامبرصلی الله علیه وآله روید و از آنجا دریچه ای به سوی آسمان باز کنید تا بین قبر حضرت صلی الله علیه وآله و آسمان فاصله ای نباشد. آنان چنین کردند. خداوند نیز به برکت توسل به حضرت صلی الله علیه وآله باران فراوانی به آن ها عنایت کرد، تا آن که سبزی ها رشد کرده و شتران چاق شدند ... (۱)

از آنجا که حدیث موافق با عقیده «البانی» نبوده، سعی کرده به دلیل وجود سعید بن زید در سندش، آن را تضعیف کند،(۲) در حالی که سعید بن زید از رجال مسلم است و یحیی بن معین او را توثیق نموده است. همچنین بخاری، ابن سعد، عجلی، ابوزرعه، ابوجعفر دارمی و برخی دیگر از رجالیین اهل سنّت او را توثیق نموده اند.(۳)

این حدیث را ابو نعمان از سعید بن زید و او از عمرو بن مالك نکری و او از ابو الجوزاء اوس بن عبداللَّه نقل کرده است:

ابو نعمان همان محمّد بن فضل است که ملقب به عام شیخ بخاری است و حافظ ابن حجر در کتاب «التقریب» درباره او می گوید: «او ثقه و ثبت است». ولی در آخر عمرش تغییری داشته است و این تغییر مضر به روایات او نیست؛ زیرا بخاری بیش از صد حدیث در کتاب صحیحش از او نقل کرده ولی بعد از تغییر در وضعیت او کسی متحمل روایت از او نشده است. ذهبی در ردّ کلام ابن حبان که می گوید: «از او احادیث منکر نقل

۱- ۵۵. سنن دارمی، ج ۱، ص ۴۳.
۲- ۵۶. التوسل انواعه و احکامه، ص ۱۲۸.
۳- ۵۷. تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۹.

شده» می نویسد «ابن حبان نمی تواند یک حدیث منکر از او ذکر کند پس کجاست آن چیزی را که گمان کرده است.» (۱)

سعیـد بن زید و عمرو بن مالک نکری، هر دو بنا بر تصـریح ابن حجر در کتاب «التقریب» صدوقند. گرچه به دنبال آن از کلمه «یهم» استفاده کرده است ولی بنابر نقل «تدریب الراوی» این جمله از صیغه های توثیق است نه تضعیف.

ابو الجوزاء أوس بن عبداللّٰه ربعی ثقه واز رجال صحیحین می باشد. در نتیجه سند این روایت مشکلی ندارد.

۳ – قسطلانی نقل می کند: «عربی بر کنار قبر پیامبرصـلی الله علیه وآله ایستاد و عرض کرد: بار خدایا! امر کردی تا بندگان را آزاد کنیم، این حبیب تو است و من بنده تو، مرا از آتش جهنم به حقّ پیامبرت آزاد گردان. هاتفی ندا داد: ای مرد! چرا آزادی از جهنم را تنها بر خودت خواستی و برای جمیع مؤمنین نخواستی؟ برو که تو را آزاد نمودم».(۲)

۴ – ابن ابی الـدنیا در کتـاب «مجابی الـدعاء» نقل کرده که ابوهاشم حـدیث کرد ما را که از کثیر بن محمّـد بن کثیر بن رفاعه شنیـدم که می گویـد: مردی به نزد عبـدالملک بن سعید بن ابجر آمـد در حـالی که شکم او ورم کرده بود. عبـدالملک به او گفت: تو دردی داری که هرگز خوب نخواهـد شـد. آن مرد گفت: آن درد چیست؟ عبـدالملک گفت: دمل بزرگی است که در

۱– ۵۸. میزان الإعتدال، ج ۴، ص ۸.
۲– ۵۹. المواهب اللدنیّه، قسطلانی، ج ۴، ص ۵۸۴.

شکم تو پدید آمده که و غالباً صاحب آن را به قتل می رساند. آن مرد ناراحت شد و عرض کرد: «اللّه، اللّه، اللّه ربّی لا أشرک به شیئاً اللّهمّ إنّی اتوجّه الیک نبیّک محمدصلی الله علیه وآله نبیّ الرحمه، یا محمّد! إنّی أتوجّه بک إلی ربّک و ربّی یرحمنی ممّا بی»؛ «خدا را، خدا را، خدا را، که پروردگار من است که هرگز به او شرک نخواهم ورزید. بارخدایا! من به وسیله پیامبرت محمّد که نبی رحمت است به سوی تو توجّه پیدا می کنم، ای محمّد! همانا من به واسطه تو به پروردگارت و پروردگارم متوجه می شوم که از آنچه در من وجود دارد به من رحم نماید.» راوی می گوید: در آن هنگام بود که از آن مرض بهبودی پیدا کرد و هرگز درد و مرضی در خود احساس نمی نمود.

ابن تیمیه می گوید: «روایت شده که سلف به این دعا و نحو آن خدا را می خواندند.» (۱)

دیدگاه علمای اهل سنّت

۱ - نورالدین سمهودی می گوید: «استغاثه و شفاعت و توسل به پیامبرصلی الله علیه وآله و جاه و برکت او نزد خداوند از کردار انبیا و سیره سلف صالح بوده و در هر زمانی انجام می گرفته است؛ چه قبل از خلقت و چه بعد از آن، حتی در حیات دنیوی و در برزخ. هر گاه توسل به اعمال صحیح است؛ همان گونه که در حدیث غار آمده، توسل به پیامبرصلی الله علیه وآله اولی است ... ».(۲)

۲ - دکتر عبدالملک سعدی می گوید: «هر گاه کسی بگوید: أللّهمّ إنّی

۱- ۶۰. ابن تیمیه، قاعده جلیله، ص ۹۴.

۲- ۶۱. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۷۲.

توسلت إليك بجاه نبيّ أو صالح؛ کسی نبايد در جواز آن شک کند؛ زيرا جاه همان ذات کسی نيست که به او توسل شده، بلکه مکانت و مرتبه او نزد خداوند است و اين، حاصل و خلاصه اعمال صالح او است. خداوند متعال در مورد حضرت موسی عليه السلام می فرمايد: «وَكانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهاً»؛(۱) و نزد خدا آبرومند بود ... ».(۲)

۳ - قسطلانی می گويد: «بر زائر رسول خداصلی الله عليه وآله سزاوار است که زياد دعا و تضرّع و استغاثه، طلب شفاعت و توسل به ذات پاک رسول خداصلی الله عليه وآله نمايد ... ».(۳)

۴ - زرقانی در شرح آن می گويد: « ... بايد به پيامبرصلی الله عليه وآله توسل جست؛ زيرا توسل به آن حضرت سبب فرو ريختن کوه های گناهان است ... ».

۵ - ابن الحاج ابو عبيداللَّه عبدری مالکی می گويد: « ... مرده ای که به زيارتش می رويم اگر از کسانی باشد که اميد برکت از او می رود، بايد به او توسل جست، و پيامبر اکرم صلی الله عليه وآله در رأس آنان است ... ».(۴)

۶ - حسن بن علی سقاف شافعی می گويد: «توسل، استغاثه و طلب شفاعت از بزرگ مردم (محمّدصلی الله عليه وآله پيامبر و چراغ تاريکی ها) از امور مستحبی است که بر آن تأکيد فراوان شده است، به ويژه هنگام گرفتاری ها. و سيره علمای اهل عمل و اوليای اهل عبادت، بزرگان محدّثين و امامان سلف بر اين بوده است».

۱- ۶۲. سوره احزاب، آيه ۶۹.

۲- ۶۳. البدعه فی مفهومها الاسلامی، ص ۴۵.

۳- ۶۴. المواهب اللدنيّه، ج ۴، ص ۵۹۳.

۴- ۶۵. المدخل، ج ۱، ص ۲۵۴.

۷ - نووی در برخی از کتاب هایش قائل به استحباب توسل شده است.(۱)

۸ - غماری در مقدمه کتابش می نویسد: «قول به استحباب توسل، مذهب شافعی و دیگر از امامان شایسته است. کسانی که بر جلالت و وثوق آنان اجماع است».(۲)

۹ - ابن حجر مکّی از اشعار شافعی این دو بیت را که بر توسل شافعی به اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله دلالت دارد، نقل می کند:

آل النبیّ ذریعتی

و هم إلیه وسیلتی

أرجو بهم أعطوا غداً

بیدی الیمین صحیفتی(۳)

«آل پیامبرصلی الله علیه وآله راه من می باشند، و آنان وسیله من به سوی خدایند.

به آنان امید دارم که در روز قیامت صحیفه و نامه اعمال مرا به دست راستم بدهند.»

۱۰ - زینی دحلان می گوید: «هر کس که ذکرهای پیشینیان و دعاها و اوراد آنان را دنبال کند، در آن ها مقدار زیادی از توسل به ذوات مقدسه می یابد. و کسی هم بر آنان ایراد نگرفت، تا این که این منکران (وهابیان) آمدند. و اگر قرار باشد که نمونه های توسل را جمع کنیم کتابی عظیم می شود ... ».(۴)

۱- ۶۶. حاشیه الایضاح علی المناسک، ص ۴۵۰ و ۴۹۸؛ شرح المهذّب {المجموع}، ج ۸، ص ۲۷۴؛ شرح الاذکار، باب اذکار الحج، ص ۳۰۷.

۲- ۶۷. مقدمه ارغام المبتدع الغبیّ بجواز التوسل بالنبیّ، غماری.

۳- ۶۸. صواعق المحرقه، ص ۱۸.

۴- ۶۹. الدرر السنیه، زینی دحلان، ص ۳۱.

مرحوم علامه امینی در توجیه توسل می فرماید: «توسل بیش از این نیست که شخصی با واسطه قرار دادن ذوات مقدسه به خدا نزدیک شود و آنان را وسیله برآورده شدن حاجات خود قرار دهد؛ زیرا آنان نزد خدا آبرومندند؛ نه این که ذات مقدس آنان را به طور مستقل در برآورده شدن حاجت هایش دخیل بداند، بلکه آنان را مجاری فیض، حلقه های وصل و واسطه های بین مولی و بندگان می داند ... با این عقیده که تنها مؤثر حقیقی در عالم وجود خداوند سبحان است و تمام کسانی که متوسل به ذوات مقدسه می شوند همین نیّت را دارند، حال این چه ضدّیتی با توحید دارد؟ ... ».(۱)

۲ – توسل به دعای پیامبرصلی الله علیه وآله در حیات برزخی

عقیده مسلمانان بر جواز، بلکه رجحان این نوع توسل است، ولی در مقابل، وهابیان قائل به عدم جواز و حرمت آن می باشند.

ابن تیمیه می گوید: «توسل؛ یعنی این که انسان از پیامبرصلی الله علیه وآله طلب کند تا برایش دعا کند؛ همان گونه که شما به انسانی زنده می گویی: برای من دعا کن. همان طور که صحابه از پیامبرصلی الله علیه وآله می خواستند تا برایشان دعا کنند. این در مورد زنده ها صحیح و مشروع است، ولی در مورد مردگان از انبیا و صالحان مشروع نیست ... ».(۲)

دلیل جواز و رجحان

۱ – خداوند متعال می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جآؤُوکَ

۱- ۷۰. الغدیر، ج ۳، ص ۴۰۳.

۲- ۷۱. زیاره القبور، ص ۲۴ و ۲۵.

فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحِيماً»؛(۱) «و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم کردند [و فرمان های خدا را زیر پا گذاردند] به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آن ها استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

ممکن است کسی ادّعا کند که آیه، ظهور در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله دارد، ولی به تنقیح مناط و اخذ ملاک می توان آن را به عصر بعد از وفاتشان نیز تعمیم داد؛ زیرا انسان همیشه و در هر زمان گناه کار است و به وسیله ای نیاز دارد تا او را برای طلب مغفرت از خداوند واسطه قرار دهد. از همین رو، صحابه بعد از پیامبرصلی الله علیه وآله با تمسک به این آیه از آن حضرت صلی الله علیه وآله طلب استغفار می نمودند. این مطلب علی الخصوص با اثبات حیات برزخی و وجود ارتباط بین عالم برزخ و دنیا هموارتر خواهد شد.(۲)

۲ – بیهقی و ابن ابی شیبه نقل می کنند: در زمان خلافت عمر قحطی شدیدی بر مردم روی آورد. بلال بن حرث رحمه الله از اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله کنار قبر پیامبرصلی الله علیه وآله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! برای امتت باران بطلب؛ زیرا آنان نزدیک است که هلاک شوند. رسول خداصلی الله علیه وآله در عالم رؤیا به او فرمود: زود است که آنان سیراب شوند.(۳) در این حدیث بلال به دعای پیامبرصلی الله علیه وآله متوسل شده است.

ص:۳۷

۱- ۷۲. سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- ۷۳. ر.ک: بحث «حیات برزخی».

۳- ۷۴. الدرر السنیه، زینی دحلان، ص ۱۸.

۳ – علی علیه السلام می فرماید: «شخصی بعد از سه روز از دفن رسول خداصلی الله علیه وآله وارد مدینه شد و خود را روی قبر رسول خداصلی الله علیه وآله انداخت و خاک آن را بر سر ریخت و عرض کرد: ای رسول خدا! گفتی، ما هم گفتارت را شنیدیم، از خداوند گرفتی ما نیز از تو گرفتیم، از جمله آیاتی که بر تو نازل شد، این بود: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُوكَ ... » من به خود ظلم کرده ام، آمده ام تا برایم استغفار نمایی. از داخل قبر ندا داده شد که تو به طور حتم بخشیده شدی».(۱)

منع از توسل، از بدعت های امویان

حاکم نیشابوری به سند خود از داوود بن ابی صالح نقل می کند: مروان روزی وارد روضه رسول خداصلی الله علیه وآله شد مردی را دید که صورت (پیشانی) خود را بر روی قبر گذارده است. مروان دست به شانه اش گذاشت و گفت: می دانی که چه می کنی؟ آن مرد سر خود را بلند کرد. مروان دید او ابوایّوب انصاری است. او خطاب به مروان گفت: آری، می دانم که چه می کنم! من به خاطر این سنگ ها نیامده ام، بلکه برای رسول خداصلی الله علیه وآله آمده ام. آن گاه از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرد که فرمود: «بر دین گریه نکنید، اگر کسی که اهلیت دارد والی آن گردد، بلکه زمانی بر دین بگریید که نااهل والی آن شود».(۲)

ص:۳۸

۱– ۷۵. الروض الفائق، ص ۳۸۰؛ وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۳۹۹؛ المواهب اللدنیّه، ج ۴، ص ۵۸۳؛ صالح الاخوان، ص ۵۴۰؛ مشارق الأنوار، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲– ۷۶. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۶۰، ح ۸۵۷۱؛ شفاء السقام، ص ۱۵۲؛ وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۳۵۳ و ۱۴۰۴؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲.

۳ – توسل و تبرک به آثار پیامبرصلی الله علیه وآله در حیات برزخی

عموم مسلمانان – در طول تاریخ – قائل به جواز آن بوده و هستند، ولی وهابیان آن را تحریم نمود اند. در بحث «تبرک» و «سنّت و بدعت» به فتاوای وهابیان در این مورد اشاره کردیم. در اینجا به طور خلاصه به برخی از روایات اشاره می کنیم:

۱ – سمهودی شافعی از مطّلب نقل می کند: بعد از وفات پیامبرصلی الله علیه وآله مردم به خاک قبر پیامبرصلی الله علیه وآله تبرک جسته و از آن بر می داشتند، تا این که عایشه مانع شد و دستور داد: دیواری را به دور قبر پیامبرصلی الله علیه وآله کشیدند تا جسد پیامبرصلی الله علیه وآله مکشوف نگردد.(۱)

۲ – بخاری در کتاب «اعتصام» به سند خود از أبی برده نقل کرده است: هنگامی که وارد مدینه شدم، عبداللَّه بن سلام را ملاقات کردم، او به من گفت: به منزل ما بیا تا در ظرفی که رسول خداصلی الله علیه وآله با آن آب آشامیده، آب خورده و سیراب شوی و در مکانی که در آنجا نماز گزارده، نماز بخوانی. با او به منزلش رفتم، با آن ظرف آب آشامیدم، از خرما تناول نموده و در آن مکان نماز گزاردم.(۲)

۳ – بخاری نیز در کتاب «الأدب المفرد» (۳) از عبدالرحمن بن رزین

۱– ۷۷. وفاء الوفا، ج ۱، ص ۳۸۵.

۲– ۷۸. صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۵۴.

۳– ۷۹. الأدب المفرد، ص ۱۴۴؛ الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۳۹.

روایت کرده که فرمود: گذرمان بر سرزمین «ربذه» افتاد، خبردار شدیم که سلمه بن اکوع رحمه الله از اصحاب رسول خداصلی الله علیه وآله در این سرزمین زندگی می کند، لذا خدمت او رسیدیم، بر او سلام کردیم. او دست هایش را بیرون آورد و فرمود: با این دو دست با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بیعت نمودم ... ما بلند شده و آن را بوسیدیم.

کلمات اهل سنّت درباره توسّل

۱ – قسطلانی می گوید: «وینبغی للزائر له صلی الله علیه وآله أن یکثر من الدعآء والتّضرع والتّشفّع والتوسّل به صلی الله علیه وآله فجدیر بمن أستشفع به أن یشفّعه اللّه فیه.

قال: وإنّ الاستغاثه هی طلب الغوث فالمستغیث یطلب من المستغاث به أغاثته أن یحصل له الغوث، فلافرق بین أن یعبّر بلفظ الاستغاثه أو التّوسل أو التشفّع أو التوجّه أو التجوّه؛ لأنّهما من الجاه والوجاهه ومعناهما علوّ القدر والمنزله وقد یتوسّل بصاحب الجاه إلی من هو أعلی منه.

قال: ثمّ إنّ کلاًّ من الاستغاثه والتّوسل والتشفّع والتوجّه بالنبیّ صلی الله علیه وآله کما ذکره فی (تحقیق النصره و مصباح الظلام)واقع فی کلّ حال قبل خلقه وبعد خلقه فی مدّه حیاته فی الدنیا وبعد موته فی البرزخ وبعد البعث فی عرصات القیامه. ثمّ فصّل ما وقع من التوسّل والاستشفاع

ص:۴۰

به صلی الله علیه وآله فی الحالات المذکوره»؛(۱) «بر زائر پیامبرصلی الله علیه وآله سزاوار است که بسیار دعا بخواند و زیاد تضرّع، استغاثه و شفاعت خواهی کند و به پیامبرصلی الله علیه وآله متوسّل شود. آن گاه شایسته اوست که خداوند فرد مورد نظر را شفیع او قرار دهد.

و نیز می گوید: استغاثه، فریادرس طلبیدن است پس استغاثه کننده از فریادرس، یاری می طلبد تا این که فریادرسی برای او حاصل آید. در این بین، فرق نمی کند که با لفظ استغاثه یا توسّل و یا تشفّع تعبیر نماید و یا با لفظ توجّه یا تجوّه،چون ریشه آن دو، از جاه و وجاهت است و معنای شان بلندمرتبه و والامقام بودن می باشد و همواره به واسطه صاحب مقامی برای رسیدن به صاحب مقام بالاتر از او توّسل می شود.

سپس می گوید: استغاثه، توسّل، تشفّع و توجّه نمودن به پیامبرصلی الله علیه وآله - چنانچه در کتاب «تحقیق النصره و مصباح الظلام» ذکر کرده - در هر حالی واقع شده است؛ چه قبل از آفرینش او و چه بعد از به دنیا آمدن، چه در مدت حیاتش و چه بعد از رحلتش، در برزخ و بعد از مبعوث شدن در عرصه قیامت. سپس بحث موارد وقوع توسّل و شفاعت خواهی از حضرت در حالات مذکور را به تفصیل بیان کرده است».

۲ - زرقانی در کتاب «شرح المواهب» می نویسد: «ونحو هذا فی منسک العلّامه خلیل و زاد: و لیتوسّل به صلی الله علیه وآله و یسأل اللَّه تعالی بجاهه

ص:۴۱

۱- ۸۰. الغدیر، ج ۵، ص ۱۴۴.

فی التوسل به؛ اذ هو محطّ جبال الأوزار و اثقال الذنوب؛ لأنّ برکه شفاعته و عظمها عند ربّه لایتعاظمها ذنب. و من اعتقد خلاف ذلک فهو المحروم الذی طمس اللَّه بصیرته و أضلّ سریرته. الم یسمع قوله تعالی: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جآؤُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ ... » (۱) قال: و لعلّ مراده التعریض بابن تیمیه»؛(۲) «و همچنین است مسلک و روش علّامه خلیل. و اضافه می کند: به پیامبرصلی الله علیه وآله باید توسّل شود و در توسّل به احترام مقام آن حضرت از خداوند درخواست می شود؛ چون پیامبرصلی الله علیه وآله محلّ نزول کوه های گناهان و سنگینی آن هاست (کنایه از این است که حضرت، شفاعت امّتش را از خداوند می خواهد) به خاطر این که به برکت شفاعت حضرت و عظمت آن نزد پروردگار، هیچ گناهی برابری نمی کند و هر کس خلاف این مطلب را معتقد باشد، محرومی است که خداوند بصیرتش را پوشانده و سریرتش را گمراه نموده است. آیا او سخن خدا را نشنیده است که فرمود: «اگر آنان که بر خویشتن ظلم کردند و پیش تو (پیامبر) آمدند تا از خدا برای ایشان آمرزش بخواهی و طلب مغفرت از خدا نمودند ... » زرقانی می گوید: و شاید مراد علامه خلیل از این حرف، تعریض و گوشه زدن بر ابن تیمیه باشد».

پاسخ به شبهات

پاسخ به شبهات

در باب توسل به اولیای الهی شبهاتی مطرح شده است، گرچه برخی

ص:۴۲

۱- ۸۱. سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- ۸۲. الغدیر، ج ۵، ص ۱۴۴.

از آن ها مشترک بین این باب و باب استغاثه به ارواح اولیای الهی است ولی ما در اینجا به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ – اسمای الهی، تنها وسیله

برخی می گویند: مطابق آیات الهی تنها وسیله برای تقرّب به سوی خداوند اسماء الهی است.

خداوند متعال می فرماید: «وَلِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنى فَادْعُوهُ بِها وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمائِهِ سَيُجْزَوْنَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ»؛(۱) «و برای خدا، نام های نیک است، خدا را با آن [نام ها]بخوانید. و کسانی که در اسمای خدا تحریف می کنند [و بر غیر او می نهند، و شریک برایش قائل می شوند] رها سازید. آنان به زودی جزای اعمالی را که انجام می دادند، می بینند.»

و نیز می فرماید: «وَأَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً»؛(۲) «و این که مساجد از آن خداست. پس هیچ کس را شریک خدا نخوانید.»

پاسخ

مقصود از دعا در مجموع این آیات، مطلق دعا و خواستن نیست؛ بلکه دعا و ندای خاصّی است که با قصدِ آن معنا، مرادف با معنای عبادت می شود و آن معنای الوهیت و یا ربوبیّت است. به علاوه این که مجموع این آیات مربوط به بت پرستانی است که گمان می کردند بت های شان (یا آن موجوداتی که این بت ها رمز آن هاست) برخی از شئون تدبیر را مالکند. لذا برای آن ها استقلال در فعل و تصرف قائل بودند. پر واضح است که هر نوع

۱– ۸۳. سوره اعراف، آیه ۱۸۰.

۲– ۸۴. سوره جن، آیه ۱۸.

تواضع برای کسی و درخواست از کسی غیر از خداوند با این اعتقاد عبادت او محسوب شده و شرک است. این قید به خوبی از برخی آیات دیگر استفاده می شود؛ از جمله:

الف) «فَما أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِی یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَیْ ءٍ»؛(۱) «و غیر از خدا همه خدایان باطلی را که می پرستیدند، هیچ رفع هلاکت از آنان ننمود.»

ب) «وَلا یَمْلِکُ الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفاعَهَ»؛(۲) «و غیر از خدای یکتا که به خدایی می خوانند، قادر بر شفاعت کسی نیستند.»

ج) «وَالَّذِینَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ ما یَمْلِکُونَ مِنْ قِطْمِیرٍ»؛(۳) «و به غیر او، معبودانی را که به خدایی می خوانید در جهان مالک پوست هسته خرمایی هم نیستند.»

د) «فَلا یَمْلِکُونَ کَشْفَ الضُّرِّ عَنْکُمْ وَلا تَحْوِیلًا»؛(۴) «پس نمی توانند دفع ضرر و تغییر حالی از شما کنند.»

بنابر این، علّت مذمّت مشرکین از طرف خداوند این بوده که آنان معتقد به تدبیر و تصرّف بتان به نحو استقلال و بدون اذن و مشیّت خداوند بوده اند.

حسن بن علی سقاف شافعی می گوید: «معنای آیه «وَأَنَّ الْمَساجِدَ للَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً» این است که غیر خدا را عبادت نکنید و در کنار او

۱- ۸۵. سوره هود، آیه ۱۰۱.

۲- ۸۶. سوره زخرف، آیه ۸۶.

۳- ۸۷. سوره فاطر، آیه ۱۳.

۴- ۸۸. سوره اسراء، آیه ۵۶.

این بت ها را نپرستید؛ بت هایی که «اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً» با آن که خداوند می فرماید: «أَ أَرْبابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَیْرٌ أَمِ اللَّهُ الْواحِدُ الْقَهّارُ». همچنین معنای آیه: «وَالَّذِینَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ ما یَمْلِکُونَ مِنْ قِطْمِیرٍ * إِنْ تَدْعُوهُمْ لا یَسْمَعُوا دُعاءَکُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجابُوا لَکُمْ * وَیَوْمَ الْقِیامَهِ یَکْفُرُونَ بِشِرْکِکُمْ» (۱) این است: غیر از خدا کسانی که عبادت می کنید مالک هیچ چیز برای شما نیستند؛ اگرچه لفّافه هسته خرما هم باشد».(۲)

۲ – تنها وسیله، طاعات و اعمال صالح

برخی در توجیه آیه «وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ» می گویند: مقصود از وسیله در این آیه، طاعات و اعمال صالح است که بنده به توسط آن به سوی خدا تقرّب پیدا می کند.

پاسخ

وسیله گرچه هر چیزی است که منشأ قرب به خداوند متعال می شود، ولی می توان یکی از آن وسایل قرب را مقام و دعای پیامبرصلی الله علیه وآله دانست و از آنجا که حیات اولیای الهی و در رأس آنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله ثابت شده لذا توسل به مقام و دعای آن بزرگواران از وسایل قرب الهی به حساب می آید.

۳ – ابراهیم و ردّ وسیله

در تفاسیر آمده است، هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام قرار بود در آتش

ص:۴۵

۱- ۸۹. سوره فاطر، آیه ۱۳ و ۱۴.

۲- ۹۰. الاغاثه بادله الاستغاثه، ص ۳۱ و ۳۲.

انـداخته شـود، جبرئیـل نزد او آمـده، عرض کرد: آیـا به من احتیـاج داری؟ ابراهیم فرمود: امـا به تو هرگز! و امـا به پروردگـار عالمیان آری!(۱)

پاسخ

اوّلاً: در مورد وسـیله گفته شده که انسان به کسی متوسل می شود که از خودش نزد خداوند مقرّب تر باشد و در مورد جبرئیل نمی توانیم ادّعا کنیم که او از حضرت ابراهیم علیه السلام برتر و مقرّب تر بوده است.

ثانیاً: ظاهر عبارت حضـرت ابراهیم علیه السـلام این است که من به تو که بخواهی با اراده و مشـیّت اسـتقلالی خودت برای من کاری انجام دهی احتیاج نـدارم، ولی به خـدا که تمام کارهایش را با اسـباب که از آن جمله جبرئیل است کار دارم. او هر چه صلاح بداند انجام می دهد و او خود به حال من آگاه تر است.

دو نوع وسیله

با مراجعه به قرآن به دست می آوریم که وسـیله قرار دادن بر دو نوع است: یک نوع وسیله از جانب مخلوقین است که این نوع چون که تصـرّف در اراده پروردگار به حساب می آیـد شـرک محسوب می شود و لـذا انکار خدا بر بت پرسـتان به جهت این بوده که آنان از پیش خود وسیله هایی را بین خودشان و خداوند قرار داده بودند و خداوند هم که بر آنان مؤاخذه بدین جهت بوده نه این که اصل واسطه قرار دادن را مذمّت کرده باشد. این مطلب را از برخی آیات استفاده می کنیم:

۱- ۹۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۳.

۱ – آیاتی که به صورت انکار است، امّا در مورد اسم هایی است که از ناحیه مردم و هوای نفسشان بر خداوند جعل کرده اند. خداوند سبحان می فرماید: «أَتُجادِلُونَنِی فِی أَسْماءٍ سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَآبآؤُکُمْ مّا نَزَّلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ»؛(۱) «آیا با من در مورد نام هایی مجادله می کنید که خود شما و پدرانتان [به عنوان معبود و خدا، بر بت ها]گذارده اید؛ در حالی که خداوند هیچ حجّت و دلیلی درباره آن نازل نکرده است.»

در علم اصول فقه ثابت شده که چون نهی یا نفی بر طبیعت مقیّد وارد شود، آن نهی یا نفی بر قید وارد می شود نه مقیّد. در مورد آیه، خداوند سبحان اصل وسائط و وسایل را نفی نکرده است، بلکه وسائط و وسایلی را از اسماء نهی کرده است که مردم از جانب خود و پدرانشان اختراع نموده اند. اسم هایی که خداوند برای آنان حجّت و برهان قرار نداده است. پس مورد انکار آن است که بدون اذن و واسطه الهی است.

و نیز می فرماید: «إِنْ هِیَ إِلّا أَسْماءٌ سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَآباؤُکُمْ ما أَنْزَلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ ... »؛(۲) «این ها فقط نام هایی است که شما و پدرانتان بر آن ها گذاشته اید [نام هایی بی محتوا و اسم هایی بی مسمّا]، و هرگز خداوند دلیل و حجّتی بر آن نازل نکرده، آنان فقط از گمان های بی اساس پیروی می کنند ... ».

۱– ۹۲. سوره اعراف، آیه ۷۱.

۲– ۹۳. سوره نجم، آیه ۲۳.

۲ – آیاتی که از وسائط، تعبیر به شرک کرده؛ از آن جهت که به اراده و حکم و واسطه الهی نمی باشد. خداوند سبحان می فرماید: «سَنُلْقِی فِی قُلُوبِ الَّذِینَ کَفَرُوا الرُّعْبَ بِما أَشْرَکُوا بِاللَّهِ ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَمَأْواهُمُ النّارُ وَبِئْسَ مَثْوَی الظّالِمِینَ»؛(۱) «به زودی در دل های کافران، به خاطر این که بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا همتا قرار دادند، رعب و ترس می افکنیم، و جایگاه آن ها آتش است، و چه بد جایگاهی است جایگاه ستمکاران.»

۳ – طایفه سوم آیاتی است که دلالت دارند بر این که توسل به وسایل و شفیعان از آن جهت که به غیر سلطان و اذن خداست موجب عبادت غیر خدا به حساب می آید. خداوند سبحان می فرماید: «وَیَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَما لَیْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ»؛(۲) «آن ها غیر از خدا چیزهایی را می پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است. و چیزهایی که علم و آگاهی به آن ندارند.»

و نیز می فرماید: «ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلّا أَسْماءً سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَآباؤُکُمْ ما أَنْزَلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ إِنِ الْحُکْمُ إِلّا لِلَّهِ»؛(۳) «این معبودهایی که غیر از خدا می پرستید، چیزی جز اسم هایی [بی مسمّا] که شما و پدرانتان آن ها را [خدا] نامیده اند، نیست. خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده، حکم تنها از آن خداست.»

۱– ۹۴. سوره آل عمران، آیه ۱۵۱.

۲– ۹۵. سوره حج، آیه ۷۱.

۳– ۹۶. سوره یوسف، آیه ۴۰.

۴ – آیاتی که دلالت دارد بر این که گرفتن تشریع از غیر خدا اگر بدون اذن او باشد شرک در تشریع به حساب می آید.

خداوند سبحان می فرماید: «أَمْ لَهُمْ شُرَكآءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ ما لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ»؛(۱) «آیا معبودانی دارند که بی اذن خداوند، آیینی برای آن ساخته اند؟!»

و نیز می فرماید: «قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ»؛(۲) «بگو: آیا خداوند به شما اجازه داده، یا بر خدا افترا می بندید [و از پیش خود، حلال و حرام می کنید؟!]»

پس مورد آیاتی که بر بت پرستان انکار و توبیخ می کند اصل اعتقاد به واسطه و وسیله نیست، بلکه مورد آن ها تصرفاتی است که در مورد وسائط از خود جعل کرده و اختراع نموده اند، بدون آن که خداوند به آنان اذن داده باشد. شارح و مفسّر آیات انکار و توبیخ مشرکین، همین چهار دسته آیاتی بود که بیان شد.

و به تعبیر دیگر: حقیقت عبادت، امتثال اوامر الهی و تسلیم در برابر اراده حق است، نه شکل و صورت ظاهری آن. و با این بیان جواب یک سؤال نیز داده می شود و آن این که چه فرقی است در توجّه به سنگ های کعبه و توجّه به بت ها؟

در جواب می گوییم: فرق در همین جا روشن می شود، نه در وجود

۱– ۹۷. سوره شوری، آیه ۲۱.

۲– ۹۸. سوره یونس، آیه ۵۹.

واسطه یا نبود آن؛ زیرا در هر دو مورد واسطه موجود است، آری فرق در وجود امر الهی و نبود آن است که چون در مورد سنگ های کعبه امر خدا هست، لذا عبادت به حساب آمده ولی چون در مورد بت ها امر نیست بلکه نهی است، شرك و عصیان به حساب می آید. و بازگشت عبادت خداوند نیز به خضوع و تسلیم در برابر دستورات او است؛ یعنی از آن جهت که انسان در برابر دستورات خداوند خضوع و تسلیم دارد، عمل او عبادت به حساب می آید.

اشاره به توسل در شعائر دینی

در قرآن و روایات به مجموعه ای از شعائر دینی اشاره شده که با دقت و تأمّل در آن ها پی به وجود روح توسل خواهیم برد. اینك به برخی از آن ها اشاره می كنیم:

۱ - خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّهَ مُبارَكاً وَهُدیً لِلْعالَمِینَ * فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِیمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً»؛(۱) «نخستین خانه ای كه برای مردم [و نیایش با خداوند]قرار داده شد، همان است كه در سرزمین مكه است، كه پربركت و مایه هدایت جهانیان می باشد. در آن، نشانه های روشن [از جمله]مقام ابراهیم است، و هر كس داخل آن [خانه خدا] شود، در امان خواهد بود ... ».

در این آیه به دو مطلب اشاره شده است: یكی این كه بیت اللّه الحرام

۱- ۹۹. سوره آل عمران، آیات ۹۶ و ۹۷.

اولین خانه ای است که خداوند برای عبادت و حج آفریده است. و دیگر این که: در این خانه آیات روشنی همچون مقام ابراهیم است که هر کس در آن وارد شود در امان خواهد بود. پس حجّی که عبارت است از میهمانی خدا و توجّه به سوی حضرت حق سبحانه و تعالی مقرون به نشانه های انبیا و اولیا است، تا دلیل و گواه بر این نکته باشد که توجّه و سیر به سوی خداوند با توجّه به اولیا و انبیا و توسل به آنان برای رسیدن به خدا انجام پذیر خواهد بود.

۲ – خداوند سبحان می فرماید: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى»؛(۱) «و [برای تجدید خاطره] از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید.»

اگر «مقام ابراهیم» چنان عظمتی دارد که جا دارد انسان در آن مقام، نماز به جای آورد، این مقام و مرتبه به جهت خود حضرت ابراهیم علیه السلام است. کسی که در آن مقام نماز می گزارد در حقیقت به ذات پاک ابراهیم علیه السلام متوسّل شده تا بتواند از این طریق قرب بیشتری به خداوند پیدا کند.

۳ – خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما»؛(۲) «صفا و مروه از شعائر [و نشانه های]خداست، بنابر این کسانی که حجّ خانه خدا و عمره انجام می دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند [و سعی صفا و مروه

ص:۵۱

۱- ۱۰۰. سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲- ۱۰۱. سوره بقره، آیه ۱۵۸.

انجام دهند].» و هرگز اعمال بی رویّه مشرکان، که بت هایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیّت این دو مکان مقدس نمی کاهد. در سبب نام گذاری این دو کوه به صفا و مروه گفته اند که چون حضرت آدم علیه السلام بر کوه صفا قرار گرفت آن را صفا نامیده اند که برگرفته از لقب آدم صفی اللّٰه است. و چون حضرت حوّاء بر کوه مروه فرود آمد آن را مروه نامیده اند که مشتق از مرأه؛ یعنی زن است.

انسان در سعی بین این دو کوه که یک عمل عبادی و واجب در ایام حج است، به یاد هاجر و فداکاری او برای تحصیل آب برای فرزندش اسماعیل می افتد. پس در این مورد عمل واجب عبادی از راه توجّه به اولیای الهی انجام گرفته است.

۴ - در آیاتی از قرآن کریم به شخص پیامبرصلی الله علیه وآله قسم یاد شده، با این که سوگند به شخص در حقیقت واسطه قرار دادن و توسل به اوست و او را منشأ توفیق قرار دادن است. اینک به برخی از آیات در این باره اشاره می کنیم:

خداوند می فرماید: «لَعَمْرُکَ إِنَّهُمْ لَفِی سَکْرَتِهِمْ یَعْمَهُونَ»؛(۱) «به جان تو سوگند، این ها در مستی خود سرگردانند.»

و نیز می فرماید: «لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ» (۲) «قسم به این شهر مقدس [مکه] شهری که تو در آن ساکنی.»

می دانیم که کلمه «لا» در آیه اول زائد است و قسم خوردن به شهر

۱- ۱۰۲. سوره حجر، آیه ۷۲.

۲- ۱۰۳. سوره بلد، آیات ۱ و ۲.

مدینه به اعتبار وجود رسول خداصلی الله علیه وآله در آن، دلالت بر تعظیم مقام حضرت دارد.

۵ – از برخی آیات استفاده می شود که استغفار پیامبرصلی الله علیه وآله بر گنهکاران، وسیله خوبی برای تقرّب آنان به خداوند است. خداوند می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جآؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوّاباً رَحِيماً»؛(۱) «و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم کردند [و فرمانهای خدا را زیر پا گذاشتند]به نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش میطلبیدند، و پیامبر هم برای آنان استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

و نیز می فرماید: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ»؛(۲) «پس آن ها را ببخش و برای آنان آمرزش بطلب، و در کارها با آنان مشورت کن.»

و نیز می فرماید: «وَإِذا قِيلَ لَهُمْ تَعالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُؤُسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ»؛(۳) «هنگامی که به آن ها گفته می شود: بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند، سرهای خود را [از روی تمسخر و کبر و غرور] تکان می دهند و آنان را می بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبّر می ورزند.»

۱– ۱۰۴. سوره نساء، آیه ۶۴.

۲– ۱۰۵. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۳– ۱۰۶. سوره منافقون، آیه ۵.

و در مورد برادران حضرت یوسف علیه السلام آمده است که به پدرانشان گفتند: «یا أَبانَا اسْتَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا إِنّا كُنّا خاطِئِينَ»؛(۱) «گفتند: ای پدر ما! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم.»

و نیز در مورد ملائکه می خوانیم: «اَلَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا»؛(۲) «فرشتگانی که حاملان عرشند و آن ها که گرداگرد آن [طواف می کنند]تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند.»

۶ – در برخی از آیات نیز اشاره به توسل به آثار اولیای الهی شده است.

در مورد حضرت یوسف علیه السلام در قرآن آمده که حضرت به برادرانش فرمود: «اِذْهَبُوا بِقَمِيصِى هذا فَأَلْقُوهُ عَلى وَجْهِ أَبِى يَأْتِ بَصِيراً»؛(۳) «این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیندازید بینا می شود.»

و نیز درباره توسل به تابوت و آنچه در آن بوده، قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمّا تَرَكَ آلُ مُوسى وَآلُ هارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلائِكَةُ»؛(۴) «نشانه حکومت او، این است که "صندوق عهد" به سوی شما خواهد آمد. [همان صندوقی که] در آن، آرامشی از پروردگار شما و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد؛ در حالی که فرشتگان، آن را حمل می کنند.»

۱– ۱۰۷. سوره یوسف، آیه ۹۷.

۲– ۱۰۸. سوره غافر، آیه ۷.

۳– ۱۰۹. سوره یوسف، آیه ۹۳.

۴– ۱۱۰. سوره بقره، آیه ۲۴۸.

۷ - به طور کلّی تمام ادلّه ای که دلالت بر تبرّک جستن اشخاص به آثار و وسایل وابسته به انبیا و اولیای الهی دارد، همگی از باب توسل به آن بزرگواران به حساب می آید. اینک به نمونه هایی از روایات اشاره می کنیم:

بخاری به سندش از جعید بن عبدالرحمن نقل کرده که گفت: از سائب بن یزید شنیدم که گفت: «ذهبت بی خالتی إلی رسول اللَّه صلی الله علیه وآله فقالت: یا رسول اللَّه! أنّ ابن اُختی وجع. فمسح رأسی ودعا لی بالبرکه وتوضّأ وشربت من وضوئه»؛(۱) «خاله ام مرا نزد رسول خداصلی الله علیه وآله برد و عرض کرد: ای رسول خدا! فرزند خواهرم مریض است. حضرت سر مرا مسح کرد و برایم دعا به برکت نمود. آن گاه وضو گرفت و من از آب وضوی او نوشیدم.»

بخاری هم چنین به سندش از عون بن ابی جحیفه از پدرش نقل کرده که گفت: بلال را دیدم که آب وضوی رسول خداصلی الله علیه وآله را گرفته است و مردم را مشاهده کردم که به سوی آن وضو هجوم آوردند، هر کس که مقداری از آن آب وضو را به دست می آورد بر خود می مالید، و کسی که به آن دسترسی پیدا نمی کرد، از رطوبت دست رفیقش استفاده می کرد.

خلقت از طریق وسائط

خلقت از طریق وسائط

با مراجعه به قرآن کریم پی می بریم که خلقت الهی نیز از طریق وسائط

۱- ۱۱۱. صحیح بخاری، کتاب المناقب، باب صفه النبی، ص ۶۳۲.

و وسایل بوده است. اینک به برخی از آیات اشاره می کنیم:

۱ – گرفتن جان

در قرآن کریم گرفتن جان انسان به ملائکه و فرستادگان الهی نسبت داده شده است. آنجا که می فرماید: «إِنَّ الَّذِینَ تَوَفّاهُمُ الْمَلائِکَهُ ظالِمِی أَنْفُسِهِمْ»؛(۱) «کسانی که فرشتگان [قبض ارواح] روح آن ها را گرفتند؛ در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند.»

و نیز می فرماید: «حَتّی إِذا جآءَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنا وَهُمْ لا یُفَرِّطُونَ»؛(۲) «تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرا رسد [در این موقع]فرشتگان ما جان او را می گیرند و آن ها [در نگاهداری حساب عمر و اعمال بندگان] کوتاهی نمی کنند.»

در جای دیگر می فرماید: «الَّذِینَ تَتَوَفّاهُمُ الْمَلائِکَهُ طَیِّبِینَ»؛(۳) «همانان که فرشتگان [مرگ]روحشان را می گیرند؛ در حالی که پاک و پاکیزه اند.»

و نیز می فرماید: «قُلْ یَتَوَفّاکُمْ مَلَکُ الْمَوْتِ الَّذِی وُکِّلَ بِکُمْ»؛(۴) «بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده [روح] شما را می گیرد.»

این در حالی است که خداوند، گرفتن جان مردم را به خودش نسبت داده است آنجا که می فرماید: «اَللَّهُ یَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ حِینَ مَوْتِها ... »؛(۵) «خداوند ارواح را به هنگام مرگ، قبض می کند ... ».

۱– ۱۱۲. سوره نساء، آیه ۹۷.

۲– ۱۱۳. سوره انعام، آیه ۶۱.

۳– ۱۱۴. سوره نحل، آیه ۳۲.

۴– ۱۱۵. سوره سجده، آیه ۱۱.

۵– ۱۱۶. سوره زمر، آیه ۴۲.

با جمع بین آیات به این نتیجه می رسیم که گرفتن جان انسان ها کار خداوند است ولی این کار گاهی به توسط ملائکه یا ملک الموت انجام می گیرد.

۲ – واسطه در روزی رساندن

در برخی از آیات نیز به واسطه در روزی رساندن خداوند به خلق اشاره کرده است.

الف) آنجا که می فرماید: «الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ فِراشاً وَالسَّماءَ بِناءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَراتِ رِزْقاً لَکُمْ»؛(۱) «آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان [جوّ زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد، و به وسیله آن، میوه ها را پرورش داد تا روزی شما باشد.»

ب) «وَهُوَ الَّذِی أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ کُلِّ شَیْ ءٍ»؛(۲) «او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویاندیم.»

ج) «وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَةً لِقَوْمٍ یَسْمَعُونَ»؛(۳) «خداوند از آسمان آبی فرستاد، و زمین را پس از آن که مرده بود، حیات بخشید. در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی

۱- ۱۱۷. سوره بقره، آیه ۲۲.

۲- ۱۱۸. سوره انعام، آیه ۹۹.

۳- ۱۱۹. سوره نحل، آیه ۶۵.

که گوش شنوا دارند.»

د) «وَجَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْ ءٍ حَیٍّ أَفَلا یُؤْمِنُونَ»؛(1) «و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی آورند؟!».

ه) «وَاللَّهُ الَّذِی أَرْسَلَ الرِّیاحَ فَتُثِیرُ سَحاباً»؛(2) «و خداوند کسی است که بادها را فرستاد تا ابرها را به حرکت درآورند.»

1- 120. سوره انبیاء، آیه 30.

2- 121. سوره فاطر، آیه 9.

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲ قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای

۳ قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۴ قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

۶ صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای

۷ کلیات مفاتیح الجنان / عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۸ کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۹ منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای

۱۱ ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۱۲ آشنایی با چهارده معصوم (۱و۲)/شعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا موسوی

۱۳ آئینه اسرار حسین کریمی قمی

۱۴ آخرین پناه محمود ترحمی

۱۵ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات

۱۶ آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی

۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۱۸ از زلال ولایت واحد تحقیقات

۱۹ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۰ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۲۱ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۲۲ امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۲۳ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۴ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

ص:۵۹

۲۵ انتظار و انسان معاصر عزیز اللّٰه حیدری

۲۶ اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی

۲۷ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۲۸ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

۲۹ بهتر از بهار / کودک شمسی (فاطمه) وفائی

۳۰ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی

۳۱ پرچم هدایت محمد رضا اکبری

۳۲ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۳۳ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۳۴ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات

۳۵ تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۳۶ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۳۷ جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۳۸ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۳۹ چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۴۰ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۴۱ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۴۲ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۴۳ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۴۴ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۴۵ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۴۶ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۴۷ داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۴۸ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۴۹ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۵۰ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

ص:۵۹

۷۱ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۷۲ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۷۳ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۷۴ غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۷۵ فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی

۷۶ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۷۷ فروغ تابان ولایت علی اصغر رضوانی

۷۸ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۷۹ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۸۰ فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری

۸۱ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۸۲ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۸۳ کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۸۴ کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان

۸۵ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۸۶ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۸۷ گفتمان مهدویت آیت اللّٰه صافی گلپایگانی

۸۸ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی

۸۹ مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله

۹۰ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی

۹۱ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی

۹۲ منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله

۹۳ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی

۹۴ منشور نینوا مجید حیدری فر

۹۵ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۶ مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللّٰه حیدری

۹۷ مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب

۹۸ مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای

۹۹ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

۱۰۰ مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی

۱۰۱ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی

۱۰۲ ناپیدا ولی با ما / (فارسی،ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات

۱۰۳ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۰۴ نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۰۵ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۰۶ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۰۷ ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۰۸ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۰۹ نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله / محمد دشتی

۱۱۰ نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۱۱ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۱۲ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۱۳ وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۱۴ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۱۵ هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۱۶ همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

۱۱۷ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۱۸ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۱۹ ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ – ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ – ۰۳۵۱

فریدون کار: ۱۴ – ۵۶۶۴۲۱۲ – ۰۱۲۲

سلسله کتاب های پیرامون وهابیت

۱ – شناخت سلفی ها(وهابیان)

۲ – ابن تیمیه، مؤسس افکار وهابیت

۳ – خدا از دیدگاه وهابیان

۴ – مبانی اعتقادی وهابیت

۵ – موارد شرک نزد وهابیان

۶ – توسل

۷ – زیارت قبور

۸ – برپایی مراسم جشن و عزا

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

